



@fosselat

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

## تدبر در آیه ۳۰۰ سوره اعراف

موضوع

مهمترین راه مقابله و نجات از وسوسه های شیاطین ، استعاذه

[ در برابر خطرات وسوسه گران شیطانی ، به پناهگاه امن الهی بروید ]

تهییه شده توسط حجت الاسلام علی رجبی

Yusufali: If a suggestion from Satan assail thy (mind),  
seek refuge with Allah;  
for He heareth and knoweth (all things)

وهر گاه وسوسه های از شیطان به تورسد به خدا پناه بر، که او شنونده و دانا است

وَإِمَّا يُنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ  
فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلَيْهِ

# فهرست

\*

@fosselat

- ۱- پناه بردن به خداوند ، راه مبارزه و نجات از وسوسه های فساد انگیز شیطانی
- ۲- معنای واژه "نزع"
- ۳- شان نزول آیه
- نسخه پیامبر اکرم (ص) برای درمان غصب
- ۴- امنیت پیامبر (ص) و معصومین (ع) از نزع شیطان
- ۵- شیطان سگ دست آموز خداوند در نظام آفرینش
- ۶- یکی از موارد "نزع" شیطان ، هنکام سخن کفتن با مردم
- ۷- تفاوت مراتب استعازه
- ۸- آموزه ها و پیامهای هدایتی و تربیتی آیه [۱۰] مورد [



پناه بردن به خداوند، راه مبارزه و نجات از وسوسه های فساد انگیز شیطانی

# وَإِمَّا يَنْزَغَنَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ

سوره اعراف  
آیه ۳۰۰

اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان تورا [برای نافرمانی از دستورهای حق] تحریک کند

# فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ < إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

زیرا او شنوا[ی ناله پناهخواهان]، و دانا[ی به امور آنان] است

به خداوند پناه ببرا!

# وَإِمَّا يَنْزَغَنَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان تحریکت کند [که به این شیوه روی نیاوری] به خداوند پناه ببرا!

# إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

مسلمماً او شنوا[ی هر دعا] و دانا[ی به همه امور] است

سوره فصلت  
آیه ۳۶

## معنای واژه "نزع"

@fosselat

**ینزَغَنَّكَ** : فعل مضارع موگد به نون ثقلیه از ریشه "نزغ" به معنای القای شر و فساد در قلب ، ورود در کاری به قصد فسادگری و تحریک ، خواه با وسوسه باشد یا عمل [تفسیر نمونه ، مهر ، مصحف الرحمان ، نور و قاموس قرآن و ... ]

**نکته :** نون تاکید برای رساندن این معنا است که معنای "نزغ" حتماً محقق خواهد شد .  
یعنی ( اگر شیطان در صدد فساد و تحریک تو برايد ، که برخواهد آمد )

- **اصل معنای واژه "نزغ"** : در اصل به معنای سوزن ، سیخ و چوبی است که سائق به حیوان بارکش یا سوارکار به مرکوبش می زند ، تا زودتر او یا بارش را به مقصد برساند

=> **نزغ : فشار و تحمیلی است که زمینه فساد را فراهم کند .**

[تسنیم ج ۳۱ ص ۵۸۲]

**ـ نزغ شیطان**

نزغ شیطان برای سواری گرفتن و تند راندن انسان به سوی گناه است ، چون وی گفته که بر بیشتر مردم سوار می شوم و حنک و افسارشان را در اختیار میگیرم :

**لَا حَتَّىٰ كَنَّ ذُرِّيَّتَهُ الٰا قَلِيلًا** (بی تردید فرزندانش را افسار میزنم) (اسراء ۶۲)  
او در آغاز وسوسه دارد و چون آدمی را به دام انداخت ، احتناک میکند .

[تسنیم ج ۳۱ ص ۵۸۳]

## شان نزول آیه [راه درمان خشم، پناهنده شدن به درکاه الهی]

- در حدیثی آمده است: لَمَّا نَزَلَتْ "خُذِ الْعَفْوَ وَأَمْرُ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ" (اعراف ۱۹۹) هنگامی که نازل و فرود آمد آیه ۱۹۹ اعراف و به پیامبر (ص) دستور داد در برابر جاهلان صبر کند

قال رسول الله (ص): كَيْفَ يَا رَبِّ وَالغَضَبُ؟  
پروردگارا با وجود خشم، چگونه می توان تحمل کرد؟  
فنزل

پس آیه ۲۰۰ اعراف در پاسخ پیامبر (ص) فرود آمد.

"وَإِمَّا يَنْزَغَنَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ" (اعراف ۲۰۰)  
اگر وسوسه‌ای از سوی شیطان تو را [برای نافرمانی از دستورهای حق] تحریک کند به خداوند پناه ببر! زیرا او شنوا[ی ناله پناهخواهان]، و  
دانان[ی به امور آنان] است

[الدر المنشور ج ۳ ص ۱۵۴]

### \* دو گونه غصب

- الهی**: این خشم - مانند رضای الهی - عبادت و پیام فرشته هاست و نزغ شیطان به شمار نمی آید.
- نفسانی**: مانند عصبانیت از ترتیب اثر ندادن به سخن که این خشم می تواند از نزغ شیطان باشد.

**توضیح**: گاهی شخص برای اجرای احکام الهی می کوشد ولی چون کسی به سخن او گوش نمی دهد، خشمگین می شود، این غصب الهی نیست.

[تسنیم ج ۳۱ ص ۶۰۷]



## شان نزول آیه [راه درمان خشم، پناهندگ شدن به درکاه الهی]

\* نسخه پیامبر اکرم (ص) برای درمان غصب

روزی پیامبر اکرم (ص) از جایی می‌گذشت، فردی را دید که براثر درگیری با دیگری، چهره اش بر افروخته و خشمناک است، حضرت رسول (ص) فرمود اگر از من می‌پرسید، او را راهنمایی می‌کردم، من چیزی میدانم که اگر انسان در این حالت بگوید، به سرعت رگ‌های پراز خون خشمش فرومی‌نشیند و آن، استعاذه به خداست، پس یک

نسخه درمان غصب گفتن:

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ**



[تفسير القرآن العظيم، ابن كثير، ج ۱، ص ۲۸ | تسنيم، ج ۳، ص ۶۰۵]



## امنیت پیامبر (ص) و معصومین (ع) از نزع شیطان

@fosselat

خطاب آیه (بوسیله کاف) به پیامبر (ص) از گونه دفع نزع است نه رفع آن، زیرا وسوسه شیطان در حرم امن پیامبران و اولیای الهی (ع) راه ندارد **و جمله شرطی** "إِمَّا يَنْزَغَنَكُمْ" به همین معنا اشاره دارد نه به وقوع. معصومان الهی، همانند دیگران مکلف اند و آیه خطاب به هر مکلف است: نظیر قضایای حقیقی و کلی که به افراد متعدد منحل می شوند و درباره هر فردی حکم خاص خود را دارند:

در مورد انبیاء و اولیاء به معنای **دفع نزع** و وسوسه است - مانند استعاذه پیش از تلاوت -  
و درباره مردم عادی دیگر، رفع نزع است.

[تسنیم ج ۳۱ ص ۵۸۱ و ۵۸۴]

معصومین (ع) چون درون سنگر توحیدند، هیچگاه آسیب نمی بینند تا در دفع آن بکوشند، چون برابر آیه تطهیر چنین مقامی دارند:

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب ۳۳)

جز این نیست که همواره خداوند [به اراده حتمی اش] می خواهد هرگونه پلیدی [در اعتقاد و اخلاق و عمل] را از شما اهل بیت [نبوت]: که به روایات فراوان فریقین، خمسه طیبه محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند، پیش از آن که به شما برسد] برطرف کرده [از میان بردارد]، و شما را آن گونه که شایسته است پاک و پاکیزه بدارد

## شیطان، سگ دست آموز خداوند در نظام آفرینش



استاد از شاگردش پرسید با فریب و وسوسه شیطان چگونه مقابله می کنی ؟ او گفت مبارزه میکنم . استاد گفت که این کار به درازا می انجامد : شما اگر در مسافرتی بخواهید از رمه سرایی عبور کنید و سگ گله مانع گذرتان گردد چه می کنید ؟ شاگرد پاسخ داد با او درگیر می شوم . استاد گفت اگر از پارس و حمله کردن دست برندارد ، چه می کنی ؟ گفت که ایستادگی می کنم و همچنان بر ایستادگی در برابر حمله سگ تاکید می کرد و چون استاد گفت این کار به دازا می کشد و از آن خسته می شوی : پرسید پس راهش چیست ؟ استاد گفت : **این سگ گله صاحب دارد : اگر از وی کمک بگیری و اورا بخواند ، ارام می شود و کنار می رود .**

**=> آری ! شیطان سگ دست آموز خدا در آفرینش است نه سگ ولگرد .**

اساسا چیزی در جهان به دیده تکوین ولگرد نیست و جهان حساب و کتابی دارد و سخن اول و آخر جهان هستی را خدا می زند .

**کلب معلم بر اثر شناختن آشنا و بیگانه حمله می کند و در این حال ، استعانت از صاحب سگ موثر است .**

بر این اساس حمله کردن و آسیب رساندن شیطان ( کلب معلم ) در نظام تکوین بی اجازه خداوند نیست ، او فقط مجاز به پارس کردن است تا دوست و دشمن از هم شناخته شوند و پارس کردن در نظام هستی چیز خوبی است .

[ تسنیم ج ۳۱ ص ۵۹۱ و ۵۹۲ ]



## یکی از موارد "نزع" شیطان، هنگام سخن گفتن با مردم

قرآن می فرماید :

اگر شیطان شما را نزع کرد، به خداوند پناه ببرید :

**وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ... (اعراف ۲۰۰)**

اگر بی گمان از شیطان وسوسه ای افسادگر به تو در رسد به خدا پناه ببر حال کجا شیطان نزع (وسوسه ای فساد انگیز همراه با فشار و حیله) می کند ؟

یکی از موارد آن در هنگام سخن گفتن با مردم است :

**وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا إِلَّيْهِ هِيَ أَحْسَنُ**

به بندگانم بگو سخنی را که نیکوتر است بگویند:

**=> إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَعُ بَيْنَهُمْ**

زیرا شیطان [با وادار کردن شان به گفتن سخنان ناروا و زشت] بین آنان فتنه انگیزی و فسادگری می کند؛

**إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسَ عَدُوًّا مُّبِينًا (اسراء ۵۳)**

چراکه شیطان همواره دشمن آشکار انسان است



## تفاوت مراتب استعاذه

@fosselat

**مرتبه اول :** گاهی انسان از جهت مراحل اخلاص به اندازه‌ای قوی و نزدیک پناهگاه است که خود و فعل خویش را نمی‌بیند مانند:

تعییر "معاذ الله" (یوسف ۲۳) از یوسف صدیق (ع) پس از پیشنهاد خطرناک زلیخا **وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ** (و [به او] گفت: پیش بیا که من در اختیار تو هستم) (یوسف ۲۳) آن حضرت در آن حالت که خطر جدی بود فرصت نداشت که بگوید "اعوذ بالله" از این رو مستعیذ و استعاذه را کنار نهاد و تنها پناهگاه را نام برد.

**مرتبه دوم :** درباره مردم عادی است که خود و استعاذه شان را می‌بینند: آنگاه به سنگر پناه می‌برند و می‌گویند: "أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ" یا

**وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ --- وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ** (مومنون ۹۷ و ۹۸)

بگو: پروردگار! من از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌آورم (-) و پروردگار! به تو پناه می‌آورم از این که [شیاطین] نزد من حاضر شوند

[تسنیم ج ۳۱ ص ۵۹۴]

**آگاهی :** قاعده ادبی "تحذیر" و "اغرا" در ادبیات عرب که فعل محوذ است و فقط متعلق ذکر می‌شود، در مورد مرتبه اول صادق است.

**مثل: وَاللَّهُ فِي الْقُرْآنِ، لَا يَسْقِكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ** (نهج البلاغه نامه ۴۷ فراز ۵)

خدا را خدا را، که عمل به احکام قرآن را فراموش ننمایید، نکند دیگران در عمل به آن بر شما پیشی گیرند

## آموزه ها و پیام های هدایتی و تربیتی آیه [۱۰۰ مورد]

- ۱- فرض گناه و وسوسه ، دلالت بر وقوع آن ندارد ، تنها هشدار است .  
 ( اما : ان + ما = > قالب شرط است نه تحقّق )
- ۲- وسوسه و فساد انگیزی شیطان ها ، حتمی و دائمی است . ( ینزغم‌نک فعل مضارع موکد )
- ۳- انبیاء هم نیاز به استغاذه ( پناه جویی به خدا ) دارند . فاستَعِذْ
- ۴- استعاذه و استمداد از خداوند ، بهترین درمان وسوسه های شیطانی است . فاستَعِذْ
- ۵- چون وسوسه انگیزی شیطان متفاوت است ، استعاذه هم باید به "الله" باشد که جامع همه صفات نیک و کمالات است "بِاللهِ"
- ۶- باید به خدایی پناهنده شد که شنواست : یعنی مهربان ، بخشنده و تواناست . استعاذه را می شنود و ترتیب اثر می دهد : نیز جایگاه اجابت دعا را میداند . دلیل استعاذه به خدا = "اَنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ"
- ۷- استعاذه عملی ، کارساز است و ذکر لفظی محض ، کم اثر یا بی اثر ، پس باید هنگان پیشامد گناه بر خود لرزید و اضطراب حس کرد و با تضرع و ناله به خدا پناهنده شد .
- ۸- خداوند به پیامبر و همه مومنان می فرماید هرگاه در عمل به دستورهای اخلاقی قرآن ( آیه ۱۹۹ سوره اعراف ) از وسوسه شیطان فشاری حس کردید ، بی درنگ به خدا پناه ببرید که او شنوا و داناست .
- ۹- در هنگام هجوم شیطان صفتان ، به خدا پناه ببرید .
- ۱۰- نزدیک ترین و سالم ترین راه رهایی از خطر وسوسه شیطان جنی و انسی ، پناهندگی عملی به دژ مستحکم توحید و سپردن خود به خداست که از همگان بر می آید ، چون هر انسانی می فهمد که با شنیدن آژیر خطر باید فوری به پناهگاه برود .

**وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ( کهف ۲۷ )**

و هرگز تکیه‌گاهی جز او نخواهی یافت

[ گزیده ای از تفاسیر تنسمیم ، نور ، مهر ، نمونه و نسیم حیات و ... ]

